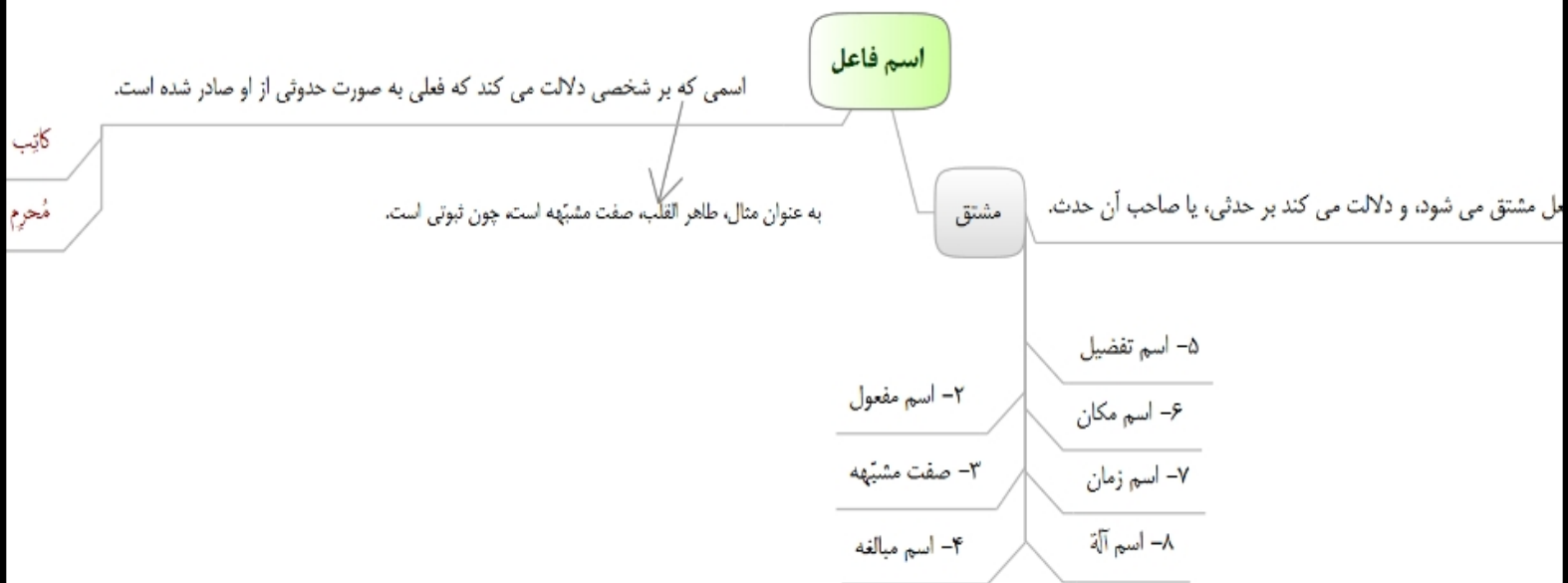


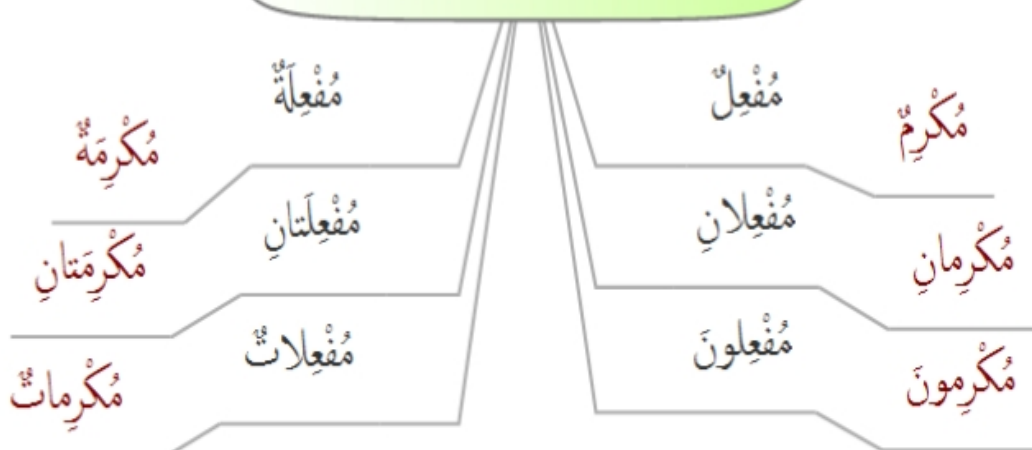
اسم فاعل



صیغه های ثلاثی مجرد



صیغه های ثلاثی مزید از باب افعال



اسم فا



الف و واو ← علامت تشبیه و جمع

نون ← علامت تنوین

اسم مفعول

اسم مفعول

اسمی که حدثی بر او واقع شده است.

طریقه ساخت

۱- ثلاثی مجرد

بر وزن مفعول

مکتوب

۲- غیر ثلاثی مجرد (مانند مصدر میمی)

بر وزن مضارع مجهول ::: به جای حرف مضارعه، مُ ::: حرف ماقبل آخر مکسور

یکم : مکرم

نکات

ساخت اسم مفعول

الف) فعل متعدی

اسم مفعول، شش صیغه دارد (مانند اسم فاعل)

مَنصُور مَنصُورانِ مَنصُورون مَنصُورَة مَنصُورَتان مَنصُورات

ب) فعل لازم

اسم مفعول، چهارده صیغه دارد (همراه حرف جر صرف می شود)

مَذهُوب به مَذهُوب بها مَذهُوب بهم مَذهُوب بها

ج) فعل معتل

گاهی اسم مفعول احتیاج به اعلال دارد.

يُرَاوُ (رَوَى) :::: مَرُور :::: مَرُور

د) بین مصدر میمی و اسم مفعول، با قرینه ای که در جمله می آید، تفاوت قائل می شویم.

ه) گاهی برای اسم مفعول، صیغه های سماعی استفاده می شود.

فَعْل

ألفظ = مَلْفُوظ

فَعُول

رَسول = مَرْسِل

فَعِيل

قَبيل = مَمْتُول

فِعَال

إله = مَالُوه (مَعْبُود)

و) گاهی هم وزن اسم مفعول به جای مصدر مورد استفاده واقع می شود.

مَفْتُون = فِتْنَة

ثلاثی مجرد (يُنصِرُ)

مَنْصُورَةٌ

مَنْصُورٌ

مَنْصُورَتَانِ

مَنْصُورَانِ

مَنْصُورَاتٌ

مَنْصُورُونَ

ثلاثی مزید از باب افعال (يُكْرِمُ)

مُكْرِمَةٌ

مُكْرِمٌ

مُكْرِمَتَانِ

مُكْرِمَانِ

مُكْرِمَاتٌ

مُكْرِمُونَ

ثلاثی مزید از باب تَفَعُّل (يُتَصَوَّرُ)

مُتَّصِرَةٌ

مُتَّصِرٌ

مُتَّصِرَتَانِ

مُتَّصِرَانِ

مُتَّصِرَاتٌ

مُتَّصِرُونَ

رباعی مجرد از باب تَفَعُّل (يُدْحَرَجُ)

مُدْحَرَجَةٌ

مُدْحَرَجٌ

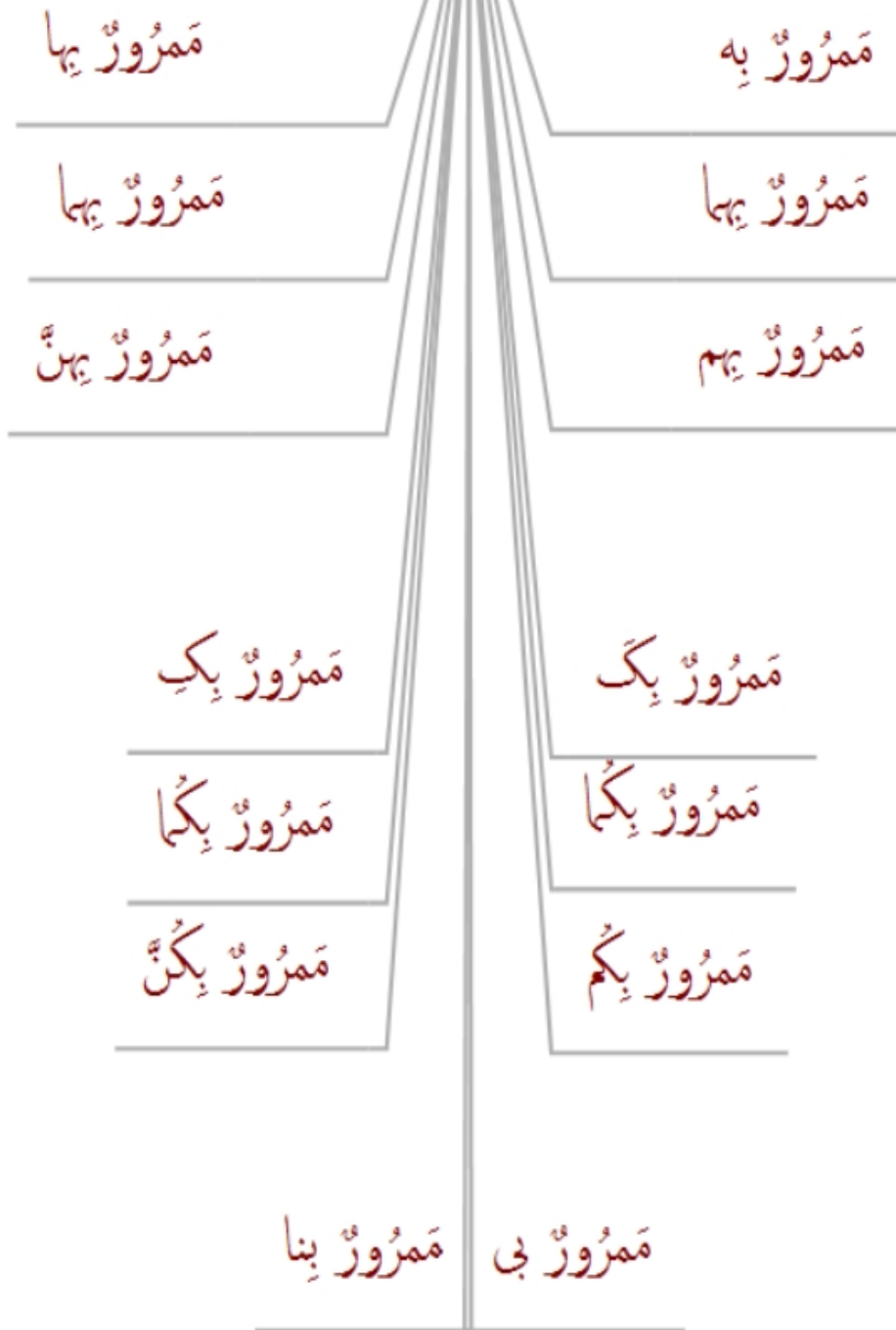
مُدْحَرَجَتَانِ

مُدْحَرَجَانِ

مُدْحَرَجَاتٌ

مُدْحَرَجُونَ

فعل متعدی به حرف جرّ (یُمرَّبِه)



صفت مشبَّهه

اسم مشتقی که بر وجود صفتی در صاحب آن صفت دلالت می کند، که این صفت به صورت ثبوتی است.

گاهی به معنی فاعل است.

کریم

گاهی به معنی مفعول است.

قتیل

طریقه ساخت

۱- ثلاثی مجرد

اوزان سماعی دارد، به جز ۲ مورد که قیاسی است:

الف) فعل بر رنگ و زینت و عیب دلالت کند:

مذکر: أَفْعَل

أخضر

مونث: فُعْلَاء

حُضْرَاء

شرف، شجاع، نجس و ...

۲- غیر ثلاثی مجرد

بر وزن اسم فاعل و اسم مفعول، البته به معنی ثبوتی

مُقِم

مُسْتَقِم الفکر

ب) فعل بر خالی شدن، پر شدن، حرارت باطنی، سردی درونی دلالت

مذکر: فُعْلَان

عَطْشَان

مونث: فُعْلَى

عَطْشَى

جمیل

جَمِيلَةٌ

جَمِيلٌ

جَمِيلَاتَانِ

جَمِيلَانِ

جَمِيلَاتٌ

جَمِيلُونَ

اسم مبالغه

اسمی که بر زیاد بودن صدور فعل، یا وصفی دلالت می کند.

تَوَّاب

طریقه ساخت

اوزان اسم مبالغه

از ثلاثی مجرد

- ۱- فَعِيل حَذِير
- ۲- فَعِيل تَصِير
- ۳- فَعُول صَدُوق
- ۴- فَعِيل شَرِير
- ۵- مِفْعَل مِدْعَس
- ۶- مِفْعَال مِفْضَال
- ۷- مِفْعِيل مَسْكِين
- ۸- فُعَال عَجَاب
- ۹- فُعَال حُسْنَان
- ۱۰- فُعَاة هَمَزَة
- ۱۱- فَيَعُول قَيُّوم
- ۱۲- فُعُول قُدُّوس
- ۱۳- فَلَغُوت طَاغُوت
- ۱۴- فَاعُول فَارُوق
- ۱۵- فَاعِيَاة رَاوِيَة

از ثلاثی مزید باب افعال

نکات
ساخت اسم مبالغه

۱- اسم مبالغه مانند اسم فاعل مثنی و جمع بسته می شود.

فُخُورٌ :: فُخُورَانِ :: فُخْرٌ

۲- بر بعضی از اوزان مبالغه، تاء تانیث وارد می شود؛

فَعَّالٌ

فُعَّالٌ

فَعِّيلٌ

...

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ

در اکثر اوزان، مذکر و مونث، یکی است.

مِفْعَلٌ

مِفْعَالٌ

مِفْعِيلٌ

فَعُولٌ

...

رَجُلٌ صَبُورٌ

إِمْرَأَةٌ صَبُورٌ

۳- به آخر بعضی از صفت ها، یاء مشدد اضافه می شود، برای بیان مبالغه.

أَحَدِيّ

صَهْدِيّ

دَائِمِيّ

۴- فَعَّالٌ اکثراً برای شغل، یا صاحب شیئی بودن استفاده می شود و معنای مبالغه ندارد.

بَعَّالٌ

عَطَّارٌ